



DOI: <https://jcl.ut.ac.ir/10.22059/jis.2022.336917.1075>

## Continuity and evolution of Toponym of “Kech and Makran” in historical and geographical sources from the 7-12 AH: with a focus on the Safavid era

Yaser Mollazaei<sup>1✉</sup> | Farajollah Ahmadi<sup>2</sup>

1. Corresponding Author; PhD student in the Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [yassermollazaei@ut.ac.ir](mailto:yassermollazaei@ut.ac.ir)
2. Associate Professor of History Department of University of Tehran, Tehran, Iran.

### Article Info

**Paper Research:**  
Research Article

**Received:**  
4 April 2021

**Accepted:**  
12 September 2022

**Keywords:**  
*Kech and Makran toponym, Iran, Safavid era, historical sources, geographical texts*

### Abstract

According to historical and geographical sources, Makran province in southern Iran has a large territory. This region was linked to Sistan in the north, Kerman in the west, the sea in the south, and the Indus River basin in the east. The expansion of the Makran region in the southeast of Iran, its connection with the sea, as well as its border location with the eastern and southern neighbors of Iran, provided the basis for the creation and development of numerous cities and settlements in Makran. Communication was important and prestigious, the city of Kech was in the center of this state. Adapting the name of this city in many historical and geographical texts from the 7th century AH to the 12th century AH, especially in the sources of the Safavid era, a place named "Kech and Makran" was formed in the mental geography of historians and geographers. Based on this, how the continuation and transformation of this place name in historical and geographical sources has formed the issue of future research. The repeated reflection of the place name "Kech and Makran" in the historical and geographical sources of the 7th to 12th century AH, especially the sources of the Safavid era, raises the question of what geographical area the place name "Kech and Makran" is applied to and how its semantic load is in the historical sources and Geographical continuity and evolution? The following article is organized by the method of describing historical and geographical data and then analyzing them through matching and comparing the data available in historical texts, especially manuscripts, geographical texts, historical maps, travelogues, as well as some examples of interviews with local experts. The result of this article shows that the political and communication importance of the city of Kech in the early to middle Islamic centuries provided the context for the first time in the official reports of the historical and geographical sources of the 7th and 8th centuries A.H. to establish a link between its name and the name of Makran. And the name "Kech and Makran" should be mentioned as another name of Makran state. Adapted from these official reports, the use of the place name "Kech and Makran" as another name of the Makran state was not only continued in the sources of the following centuries, but in the Safavid era, along with this continuity, there was also a change in it, based on which, This place was also known as another name of Kech city.

### How To Cite

Mollazaei, Yaser; Ahmadi, Farajollah (2022). Continuity and evolution of Toponym of “Kech and Makran” in historical and geographical sources from the 7-12 AH: with a focus on the Safavid era. *Iranian Studies*, 12 (1), 169-188.

### Publisher

University of Tehran Press.





University of Tehran  
Faculty of Literature and  
Humanities

دوفصلنامه

## پژوهش‌های ایران‌شناسی

سال ۱۲، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۳  
بهار و تابستان ۱۴۰۱، ۱۶۹-۱۸۸

Iranian Studies

DOI: <https://jcl.ut.ac.ir/10.22059/jis.2022.336917.1075>

# تداوم و تحول جای‌نام «کیچ و مکران»<sup>۱</sup> در منابع تاریخی و جغرافیایی قرن ۷ تا ۱۲ قمری (با تأکید بر منابع دوره صفوی)

یاسر ملازئی<sup>۱</sup> | فرج‌الله احمدی<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: [yassermollazaei@ut.ac.ir](mailto:yassermollazaei@ut.ac.ir)

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

### اطلاعات مقاله

### چکیده

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۵ دی ۱۴۰۰

تاریخ انتشار:

۲۱ شهریور ۱۴۰۱

کلیدواژه‌ها:

کیچ و مکران، ایران، دوره صفوی، منابع تاریخی، متون جغرافیایی.

براساس گزارش منابع تاریخی و جغرافیایی، ایالت مکران در جنوب شرق ایران، گستره پهناوری داشت که از شمال تا سیستان، از غرب تا کرمان، از جنوب با دریا، از شرق با حوزه سِند پیوند می‌یافت. گستردگی منطقه مکران در جنوب شرق ایران و پیوند با دریا و همچنین موقعیت مرزی آن با همسایگان شرقی و جنوبی ایران، زمینه ایجاد و توسعه شهرها و آبادی‌های متعددی را در مکران فراهم آورد. یکی از شهرهای تاریخی مکران که از منظر سیاسی و همچنین موقعیت ارتباطی، اهمیت و اعتبار داشت، شهر کیچ در مرکز ایالت بود. به اقتباس از نام همین شهر، در بسیاری از متون تاریخی و جغرافیایی قرن هفتم تا دوازدهم، به‌ویژه در منابع دوره صفوی، جای‌نامی با عنوان «کیچ و مکران» در جغرافیای ذهنی مورخان و جغرافی‌نویسان شکل گرفت. بر همین اساس، چگونگی تداوم و تحول این جای‌نام در منابع تاریخی و جغرافیایی، مسئله پژوهش پیش رو را شکل داده‌است. بازتاب مکرر جای‌نام «کیچ و مکران» در منابع تاریخی و جغرافیایی قرن ۷ تا ۱۲، به‌ویژه منابع دوره صفوی، این سؤال را مطرح می‌سازد که جای‌نام «کیچ و مکران» بر چه گستره جغرافیایی اطلاق شده و بار معنایی آن چگونه در منابع تاریخی و جغرافیایی تداوم و تحول پیدا کرده‌است؟ مقاله پیش رو با روش توصیف داده‌های تاریخی و جغرافیایی و سپس تحلیل آنان، از راه تطبیق و مقایسه داده‌های موجود در متون تاریخی، به‌خصوص نسخه‌های خطی، متون جغرافیایی، نقشه‌های تاریخی، سفرنامه‌ها و همچنین چند نمونه مصاحبه با آگاهان محلی، سامان یافته‌است. دستاورد این مقاله نشان می‌دهد که اهمیت سیاسی و ارتباطی شهر کیچ در سده‌های نخستین تا میانه اسلامی، این زمینه را فراهم ساخت که برای نخستین بار در گزارش‌های رسمی منابع تاریخی و جغرافیایی قرن ۷ و ۸ بین نام آن با نام مکران پیوند ایجاد شود و از جای‌نام «کیچ و مکران» به مثابه نام دیگر ایالت مکران یاد شود. به اقتباس از این گزارش‌های رسمی، استفاده از جای‌نام «کیچ و مکران» به مثابه نام دیگر ایالت مکران، نهایتاً در منابع قرون بعدی تداوم یافت. بلکه در دوره صفوی در کنار این تداوم، تحولی نیز صورت گرفت که بر مبنای آن، این جای‌نام به مثابه نام دیگر شهر کیچ شناخته شد.

ملازئی، یاسر؛ احمدی، فرج‌الله (۱۴۰۱). تداوم و تحول جای‌نام «کیچ و مکران» در منابع تاریخی و جغرافیایی قرن ۷ تا ۱۲ قمری (با تأکید بر منابع دوره صفوی). *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، ۱۲ (۱)، ۱۶۹-۱۸۸.

استناد



مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

ناشر

۱. از آنجاکه این نام در بین بومیان منطقه به صورت «مَکَران» (Makkoran) تلفظ می‌شود، پیشنهاد می‌شود در متن مقاله، تلفظ آن به همین صورت در نظر گرفته شود.

## مقدمه

جای نام یا توپونیم<sup>۱</sup> دانشی است که به مطالعه نام‌های جغرافیایی می‌پردازد و سه عنصر تاریخ و جغرافیا و زبان‌شناسی را در خود جای داده‌است (تهامی و کاویانی‌راد، ۱۳۹۴: ۹۰). از آنجاکه جای نام‌ها را زمانی مردمانی وضع کرده‌اند و سپس سال‌ها و هزاران سال حفظ شده‌اند، تاریخ زنده محسوب می‌شوند (خیراندیش، ۱۳۸۲: ۳). در همین زمینه، جای نام‌هایی که مرتبط با ایران و ایالات و مناطق گوناگون آن هستند، در بسیاری از متون تاریخی و جغرافیایی دوره‌های گوناگون تاریخی، بازتاب یافته‌اند؛ از جمله این جای نام‌ها می‌توان به «کیچ و مکران» اشاره کرد که با ایالت مکران در جنوب شرق ایران مرتبط بوده‌است. این جای نام از ترکیب نام دو واحد جغرافیایی یعنی کیچ به عنوان یکی از شهرهای ایالت مکران و نام مکران به عنوان نام این ایالت به وجود آمده‌است. این جای نام به صورت مستقل در منابع تاریخی و جغرافیایی سده‌های نخستین اسلامی رایج نبوده و نخستین نشانه‌های ظهور آن مربوط به منابع سده‌های میانه، به‌ویژه قرن ۷ و ۸ قمری است. در منابع قرون بعدی یعنی قرون ۹ تا ۱۲ قمری، هنگام اشاره به تحولات ناحیه مکران، استفاده از جای نام «کیچ و مکران» شکل بیشتری به خود گرفت؛ به عبارتی می‌توان اوج استفاده از این جای نام را در منابع تاریخی و جغرافیایی دوره صفوی مشاهده کرد. بر همین مبنای واکاوی ابعاد تاریخی و جغرافیایی جای نام «کیچ و مکران» مسئله پژوهش پیش رو را شکل داده‌است. استفاده مکرر از جای نام «کیچ و مکران» در مجموعه‌ای از منابع تاریخی و جغرافیایی قرون ۷ تا ۱۲ قمری، این پرسش را مطرح می‌سازد که فرایند پیوند نام دو واحد جغرافیایی کیچ به عنوان یکی از شهرهای مکران و نام مکران به عنوان نام این ایالت، چگونه بوده‌است؟ و اساساً این جای نام به چه واحد جغرافیایی در قرون ۷ تا ۱۲ قمری (با تأکید بر منابع دوره صفوی) اطلاق می‌شده‌است؟

مقاله حاضر با روش توصیف و تحلیل داده‌های تاریخی و جغرافیایی و همچنین شیوه تطبیقی از طریق مقایسه داده‌های موجود در متون تاریخی، به‌ویژه نسخ خطی و متون جغرافیایی و نقشه‌های تاریخی و سفرنامه‌ها و همچنین چند نمونه مصاحبه از آگاهان محلی، سامان یافته‌است. برای تبیین منسجم‌تر موضوع و مسئله آن، نخست تلاش کرده‌ایم تعریفی از ایالت مکران از منظر تاریخی و جغرافیایی و همچنین موقعیت شهر کیچ در آن تشریح شود. پس از آن، به پیشینه ظهور این جای نام در منابع تاریخی و جغرافیایی پیشاصفوی اشاره شده‌است و سرانجام با استناد به مجموعه‌ای از منابع که قبلاً ذکر شد، تداوم و تحول این جای نام در دوره صفوی تجزیه و تحلیل شده‌است. همچنین منظور از قرن ۱۲ قمری در پژوهش حاضر، تا سال ۱۱۳۵ قمری یعنی سقوط اصفهان به دست افغانان را شامل شده و منابع تاریخی دوره افشار و زند را در بر نمی‌گیرد.

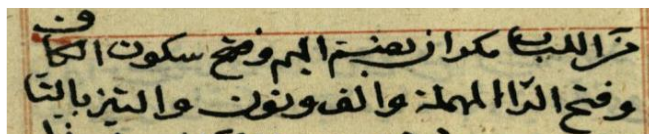
1. toponym.

با وجود داده‌های مختصر و پراکنده در منابع تاریخی و جغرافیایی از منطقه مکران، شناسایی ابعاد و زوایای تاریخی این منطقه، توجه تعدادی از پژوهشگران را جلب کرده‌است. با این حال هنوز زمینه‌های تحقیقاتی متعددی برای واکاوی تاریخ و جغرافیای این منطقه وجود دارد که انجام آن ضروری می‌نماید. از جمله این زمینه‌های تحقیقاتی، شناسایی ابعاد تاریخی و جغرافیایی جای‌نام «کیچ و مکران» است که چنین موضوعی تا کنون مورد توجه قرار نگرفته‌است. در بین پژوهش‌های صورت‌گرفته، صفرزایی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به نقش کیچ در ارتباطات دریایی سواحل مکران در سده‌های نخستین اسلامی پرداخته‌است. در این مقاله، درباره «کیچ و مکران» فقط به این نکته اشاره شده که اهمیت شهر کیچ باعث شد بین نام آن با نام مکران پیوند ایجاد شود و این عنوان در منابع سده‌های سیزدهم تا پانزدهم میلادی و همچنین منابع دوره صفوی و گورکانیان هند بازتاب پیدا کند. ابعاد تاریخی و جغرافیایی جای‌نام «کیچ و مکران» به هیچ روی در مقاله مذکور کندوکاو نشده‌است. علوی و اشراقی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به بررسی جغرافیای تاریخی مکران در سده‌های میانه اسلامی پرداخته‌اند. در قسمت کوتاهی از این مقاله، به بازتاب جای‌نام «کیچ و مکران» در *سفرنامه مارکوپولو* اشاره شده و با توجه به عنوان و مسئله تحقیق، واکاوی جای‌نام «کیچ و مکران» اساساً رسالت پژوهش نبوده‌است. همچنین صفرزایی و ملازئی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای، جغرافیای تاریخی مکران را در دوره صفوی براساس نقشه‌های تاریخی اروپاییان، تجزیه و تحلیل کرده‌اند. نویسندگان در پژوهش ذکرشده کوشیده‌اند تا نام‌شناسی، محدوده جغرافیایی، جغرافیای طبیعی، آبادی‌ها و بندرها و نیز پراکندگی گروه‌های جمعیتی در ایالت مکران را بر مبنای نقشه‌های تاریخی اروپاییان تجزیه و تحلیل کنند. در مجموع، آنچه پژوهش پیش رو را با پیشینه ذکرشده متمایز می‌سازد، ناظر بر مقایسه و چگونگی تداوم و تحول جای‌نام «کیچ و مکران» در مجموعه‌ای از منابع تاریخی و جغرافیایی از جمله متون تاریخی، متون جغرافیایی، نقشه‌های تاریخی و سفرنامه‌هاست.

## ۱. ایالت مکران و موقعیت کیچ در آن

حضور نام مکران در متون تاریخی و جغرافیایی، سابقه طولانی دارد. برای نخستین بار در کتیبه‌های آکدی و سومری، از اصطلاح مَکَن نام برده شده که طبق آخرین تحقیقات باستان‌شناختی، موقعیت جغرافیایی آن با مکران دوره باستان و همچنین سواحل امارات متحده عربی و عمان مطابقت دارد (وثوقی و صفت‌گل، ۱۳۹۶: ۳۴). این منطقه در دوره هخامنشی، به استناد کتیبه بیستون، مَکَ (شاپور، ۱۳۴۶: ۳۳؛ کنت، ۱۳۹۱: ۴۰۲) و در دوره اسکندر مقدونی گِدروزیا (آریان، ۱۹۷۱: ۳۰۱-۳۶۴) و در دوره ساسانی، به استناد کتیبه شاپور بر کعبه زرتشت، مکوران نامیده شده‌است (شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۳۰۷). پس از ورود اسلام به ایران، مکران به متداول‌ترین نام برای شناسایی

این منطقه بدل شد و مورد توجه تاریخ‌نویسان و جغرافی‌نویسان قرار گرفت. از زمان رایج شدن نام مکران در متون تاریخی و جغرافیایی تا به امروز، الفاظ مختلفی برای این نام استفاده شده‌است. در قرن هفتم، یاقوت حموی (۱۹۹۵: ۱۸۰/۵) آن را مکران و در قرن هشتم، ابوالفداء (نسخه خطی شماره ۱۷۵۰، برگ ۷۶ پشت) آن را مکران تلفظ کرد.



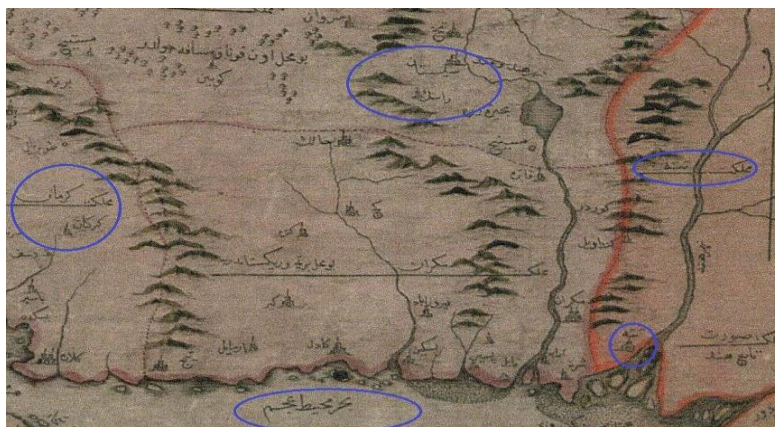
تصویر شماره ۱. تلفظ نام مکران در تقویم البلدان

علاوه بر متون جغرافیایی مسلمانان، در نقشه‌های تاریخی اروپاییان که از ایران عصر صفوی ترسیم شده، نام مکران با اشکال مختلف به صورت مکران (علائی، ۲۰۱۰: ۲۷۶) و مکران (گنجی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۵۶) و مکران (www.davidrumsey.com) نیز ضبط شده‌است. سرپرسی سایکس (۱۳۱۵: ۲۲۱) در قرن ۱۳ قمری گزارش داد که این نام، در حوالی هند با کاف مفتوح تلفظ می‌شده‌است. از طرف دیگر، واژه مکران امروزه در بین مردمان بومی این منطقه، به صورت مکران تلفظ می‌شود.

همانند لفظ نام مکران، در باب وجه تسمیه آن هم اتفاق نظر وجود ندارد: برخی نام مکران را معادل ماهی‌خواران دانسته‌اند تا ماهی را قوت اصلی مردمان این منطقه نشان دهند (هولدیچ، ۱۸۹۶: ۳۸۸). برخی دیگر این نام را به مکران بن فارک بن سام بن نوح (ع) منتسب می‌دانند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۸۰/۵) و برخی دیگر، واژه مک را معادل قوم میک‌ها در دوره باستان می‌دانند که براساس گزارش هروودوت (۱۳۸۴: ۱۹۲) در ناحیه امروزی مکران استقرار داشته‌اند. پیروان این نظر معتقدند که با اضافه شدن پسوند مکان‌ساز ران، مکران مکانی است که قوم میک‌ها در آن زندگی می‌کرده‌اند (فروزانی و صفرزایی، ۱۳۹۴: ۱۱۵۸-۱۱۵۹). در نظری دیگر، برخی مکران را سرزمینی دارای درختان خرما، متعدد و بسیار دانسته‌اند (مصاحبه نویسندگان با عبدالوهاب ایراندوست، سرباز، ۱۴۰۰/۷/۱۷): زیرا مک را معادل مَج دانسته‌اند که در زبان بلوچی به معنای نخل و درخت خرماست (جهاننده، ۱۳۹۶: ۲۲۶۹)، اما این تحلیل را نمی‌توان چندان دقیق دانست؛ زیرا در زبان محلی، مکران با فتح میم و ضم کاف مشدد یعنی «مکران» تلفظ می‌شود، درحالی‌که مک به معنای درخت خرما با ضم میم و سکون کاف تلفظ می‌شود.

از نظر حدود جغرافیایی، مکران امروزه به جنوبی‌ترین شهرهای بلوچستان ایران و پاکستان و همچنین مناطق ساحلی دریای عمان اطلاق می‌شود. باین‌حال مکران تاریخی، گستره جغرافیایی

بیشتری را در بر می‌گرفت که چنین گستره‌ای در بسیاری از متون تاریخی و جغرافیایی و نیز نقشه‌های تاریخی بازتاب پیدا کرد. در دوره باستان، مکران یا گدروزیا از غرب تا کرمان و از شمال تا سیستان یا درنگیان و از شرق تا رود ایندوس یا رود سند امتداد داشت (وثوقی و صفت‌گل، ۱۳۹۶: ۱۱۱). پس از ورود اسلام به ایران، محدوده جغرافیایی مکران در متون جغرافیایی متعددی بازتاب یافت. مؤلف گمنام *حدود العالم* (۱۳۶۲: ۱۲۳-۱۲۴) در نیمه دوم قرن چهارم، حدود جغرافیایی مکران را در پیوند با حوزه سند تعریف کرده که براساس آن «ناحیتیست مشرق وی رود مهران است و جنوب وی دریای اعظم است و مغرب وی ناحیت کرمان است و شمال وی بیابانی است که به حدود خراسان پیوسته است». در قرن هفتم، قزوینی (۱۹۹۸: ۲۷۳) محدوده مکران را بین زمین سند و تیس توصیف کرد. مستوفی یزدی (۱۳۹۶: ۳۵۷) در قرن یازدهم مصادف با دوره صفوی، حدود جغرافیایی مکران را این‌گونه برشمرد: «حدودش به سیستان و بکران و تته و هرموز اتصال دارد». علاوه بر متون جغرافیایی ذکرشده، دسته‌ای از منابع جغرافیایی از دوره صفوی - یعنی نقشه‌های تاریخی - گستره جغرافیایی مکران را نمایان ساخته‌اند. براساس نقشه‌ای که ابراهیم متفرقه (نقشه‌نگار عثمانی) با عنوان *ممالک ایران* در نیمه قرن هجدهم از قلمرو ایران صفوی ترسیم کرده، حدود جغرافیایی مکران در شمال با سیستان و در غرب با کرمان و در جنوب با دریا و در شرق تا حوالی منطقه تته در غرب رود سند پیوند داشته‌است.

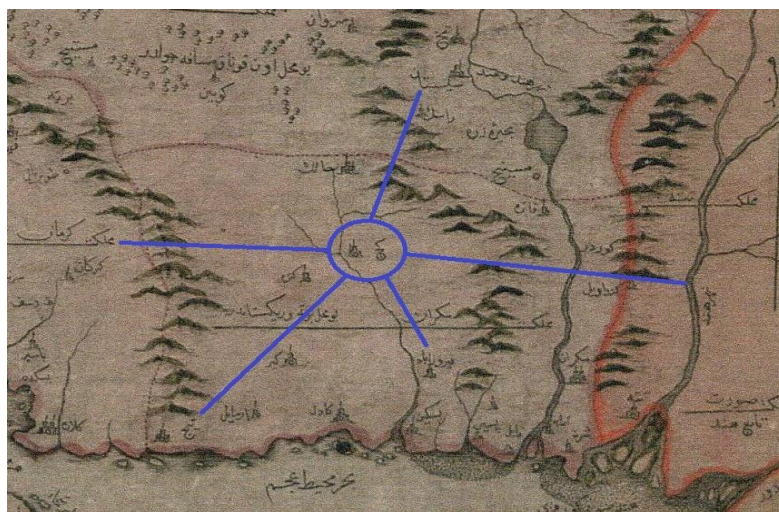


نقشه شماره ۱. حدود جغرافیایی مکران در نقشه ممالک ایران (تأکید از نویسندگان است) (اعلانی، ۲۰۱۰: ۲۷۶)

گسترده‌گی منطقه مکران در جنوب شرق ایران، پیوند آن با دریا و همچنین موقعیت مرزی آن به مثابه پل ارتباطی ایران با همسایگان شرقی و جنوبی، زمینه ایجاد و توسعه شهرها و آبادی‌های متعددی را در مکران فراهم ساخت، به طوری که قزوینی (۱۹۹۸: ۲۷۳) در کتاب آثار

البلاد و اخبار العباد، بر وجود دهات و قصبات بسیار در مکران اشاره کرده است. از وضع شهرها و آبادی‌های مکران در دوره باستان اطلاعات چندانی در دست نیست، اما با ورود اسلام به ایران و رونق تولید متون جغرافیایی در سده‌های متمادی، توصیف شهرها و آبادی‌های مکران به طور منسجم مورد توجه جغرافی‌نویسان قرار گرفت که از جمله آن می‌توان به گزارش‌های مؤلف گمنام حدود العالم (۱۳۶۲: ۱۲۵) و مقدسی (۱۳۶۱: ۷۰۱-۷۰۲) و اصطخری (۱۳۴۰: ۱۴۶-۱۴۷) اشاره کرد. یکی از شهرهای مکران بر مبنای متون جغرافیایی و تاریخی، کیچ در مرکز این ایالت بوده است. کیچ امروزه در جنوب غرب پاکستان و در ایالت بلوچستان در نزدیک مرزهای ایران قرار گرفته است. از وضع کیچ در دوره باستان اطلاعات چندانی در دست نیست و نخستین آگاهی‌های تاریخی از این منطقه مربوط به گزارش‌های تاریخی و جغرافیایی در سده‌های نخستین اسلامی است (صفرزایی، ۱۳۹۷: ۳۱۲-۳۱۳) و به نظر می‌رسد از همین زمان، کیچ یکی از شهرهای مهم مکران شده است.

اهمیت شهر کیچ در مکران در دوران اسلامی از دو منظر جای بررسی دارد. اهمیت اول شهر کیچ، در اعتبار و جایگاه سیاسی آن است که براساس گزارش‌های منابع سده‌های نخستین تا میانه اسلامی، مرکز و حاکم‌نشین مکران بوده است. مؤلف گمنام حدود العالم (۱۳۶۲: ۱۲۵) در نیمه دوم قرن چهارم در توصیف شهر کیچ می‌نویسد: «پادشاه مکران به شهر کیچ نشیند». همچنین در همین قرن، اصطخری (۱۳۴۰: ۱۴۶ و ۱۵۲) که از شهر کیچ با عنوان کیز یاد کرده، در دو توصیف جداگانه آن را این‌گونه توصیف می‌کند: «این ناحیت، عیسی بن معدان گرفتست، او را مهرج خوانند و به شهر کیز مقام دارد ... فرضه مکران است و درخت خرما دارد». در قرن هفتم، یاقوت حموی (۱۹۹۵: ۴/۴۹۷) کیچ یا کیز را یکی از مشهورترین شهرهای این منطقه دانسته که مرکز والی مکران بوده است. همچنین در قرن هشتم حافظ ابرو (۱۳۷۵: ۱۰۳-۱۰۴) کیچ را این‌گونه توصیف کرده است: «مکران نام آن ولایت است و قصبه آن کیچ است». علاوه بر بُعد سیاسی، در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی کیچ در مکران نشان می‌دهد این منطقه در بُعد جغرافیایی، اهمیت ارتباطی مهمی در پیوند شهرهای مکران با یکدیگر و همچنین ایالات همجوار مکران داشته است. یکی از مهم‌ترین منابعی که فهم موقعیت ارتباطی و مرکزی کیچ در ایالت مکران را تسهیل می‌کند، نقشه‌های تاریخی است که اروپاییان از ایران طی قرون دهم تا دوازدهم قمری ترسیم کرده‌اند؛ برای نمونه، براساس نقشه‌ای که در نیمه قرن هجدهم، ابراهیم متفرقه (نقشه‌نگار عثمانی) از ایران صفوی ترسیم کرده، شهر کیچ از منظر موقعیت جغرافیایی در مرکز مکران قرار گرفته است و چنین موقعیت جغرافیایی می‌توانست پیوند شهرها و بندرهای مکران را با یکدیگر تسهیل و حتی زمینه ارتباط مکران با ایالات مجاور را فراهم سازد.



نقشه شماره ۲. موقعیت ارتباطی کیج در ایالت مکران (تأکید از نویسندگان است) (علائی، ۲۰۱۰: ۲۷۶)

## ۲. پیشینه جای نام «کیج و مکران» در منابع تاریخی و جغرافیایی قرن ۷ تا ۹ قمری

اهمیت سیاسی شهر کیج به عنوان حاکم‌نشین مکران و موقعیت مرکزی و ارتباطی آن در این ایالت، نه تنها بر برجسته شدن اهمیت کیج در بین شهرها و آبادی‌های ایالت مکران افزود، بلکه باعث شد در متون تاریخی و جغرافیایی سده‌های میانه اسلامی به بعد، بین نام کیج با نام مکران پیوند ایجاد شود و جای‌نامی با عنوان «کیج و مکران» در منابع تاریخی و جغرافیایی ظاهر شود. مسلم اینکه این جای‌نام از ترکیب دو اصطلاح کیج، به عنوان یکی از شهرهای ایالت مکران و اصطلاح مکران، به عنوان نام این ایالت به وجود آمد. به نظر می‌رسد این جای‌نام برای نخستین بار در منابع تاریخی قرن هفتم و به صورت منسجم‌تر، در منابع قرن هشتم ظاهر شد؛ البته ذکر این نکته ضرورت دارد که این جای‌نام، به طور همه‌جانبه در تمام منابع این دوره‌های زمانی ضبط نشد و می‌توان گفت کیج و مکران به تازگی در منابع تاریخی این دوره در حال شکل‌گیری بوده‌است؛ برای نمونه، جوینی (۱۳۸۵: ۱۴۹) و جوزجانی (۱۳۶۳: ۲۳۵) و بیضاوی (۱۳۸۲: ۴۵)، از مورخان عصر مغول و ایلخانی، همچنان از اصطلاح مکران استفاده کردند و جای‌نام کیج و مکران در متون تاریخی آنان بازتاب نیافت. در بین منابع تاریخی قرن هفتم، به نظر می‌رسد سفرنامه مارکوپولو، یکی از اولین آثاری بود که این جای‌نام در آن اشاره شده و نویسندگان بعدی از آن اقتباس کرده‌اند. مارکوپولو جهانگرد ایتالیایی بود که در نیمه دوم قرن هفتم قمری به سمت شرق سفر کرد و از سرزمین‌هایی همچون ایران، ترکستان، چین، هندوستان، قسطنطنیه دیدار کرد. مارکوپولو (۱۹۰۷: ۳۸۸) در این سفرنامه، از منطقه‌ای به نام «کس‌ماکوران» یاد کرده و از



نظر موقعیت جغرافیایی، آن را دورترین ایالت هند بزرگ در برابر غرب و شمال غرب توصیف کرده‌است. این گزارش مارکوپولو از دو منظر برای ارتباط آن با ایالت مکران و جای نام «کیچ و مکران» حائز اهمیت است: اول شباهت تلفظی آن با «کیچ و مکران» که این احتمال را مطرح می‌سازد که منظور از آن همان «کیچ و مکران» بوده‌است. دوم اینکه موقعیت جغرافیایی که مارکوپولو برای این ناحیه شرح داده، با ایالت مکران مطابقت دارد. بر همین اساس، می‌توان نتیجه گرفت که منظور از «کس ماکوران» همان «کیچ مکران» یا «کیچ و مکران» است.

علاوه بر *سفرنامه مارکوپولو*، اثر دیگری که در آن جای نام «کیچ و مکران» بازتاب پیدا کرده، کتاب *سمط العلی للحضرة العلیا* از ناصرالدین منشی کرمانی درباره قراختائیان کرمان است که در نیمه اول قرن هشتم تألیف شده‌است. ناصرالدین منشی (۱۳۶۲: ۱۶، ۲۰، ۲۹، ۵۸، ۸۲، ۹۷) ضمن استفاده مکرر از عنوان مستقل مکران، سه بار از جای نام «کیچ و مکران» استفاده کرده‌است. وی در جایی نوشته: «و مقرریات و مواضع از گیج و مکران آوردندی بیک دفعه همه در بارگاه بیخشیدی» (همان: ۳۰)؛ یا در جایی دیگر، از تعبیر ثغر یا سرحد برای کیچ و مکران استفاده کرده: «و ملک و مرتضی معظم ناصرالدین که والی ثغر گیج و مکران بود، یک سال ملازمت بارگاه ترکانی کرد» (همان: ۴۱). علاوه بر کتاب *سمط العلی*، از دیگر آثاری که در همان قرن، جای نام «کیچ و مکران» در آن بازتاب پیدا کرده، کتاب *مجمع الانساب* شبانکاره‌ای است. شبانکاره‌ای همانند الگوی منشی کرمانی، ضمن اینکه در چندین قسمت از عنوان مستقل مکران نام برده، سه بار از جای نام کیچ و مکران استفاده کرده‌است؛ برای نمونه، وی در جایی نوشته: «روزی که ملک قطب‌الدین تهمتن از جزیره جرون بیرون شده بود به مصلحتی و کاری که متعلق به ملوک کیچ و مکران داشت...» (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲۱۸). در این روایت، شبانکاره‌ای از تعبیر ملوک برای «کیچ و مکران» استفاده کرده‌است. اثر دیگر از قرن هشتم مربوط به *سفرنامه ابن بطوطه* است. ابن بطوطه سفری را در سال ۷۲۵ آغازید و از سرزمین‌هایی چون مصر، شام، عربستان، ایران، هند، چین دیدن کرد. او در این سفرنامه دو بار به «کیچ و مکران» اشاره کرده‌است که البته یک بار آن را به صورت «مکران و کیچ» ضبط کرده: «و ملک دینار که بلاد مکران و کیچ را تحت نفوذ خود گرفت» (ابن بطوطه، ۱۳۹۷: ۲۷۸). در مجموع، بازتاب نام کیچ و مکران در متون تاریخی سده‌های ۷ و ۸ قمری ناظر بر دو نکته اساسی است: اول اینکه حضور نام مکران یا کیچ به طور مستقل در متون تاریخی و جغرافیایی قبل از قرن هفتم سابقه دارد، اما برای نخستین بار، منابع تاریخی قرن هفتم و به طور منسجم‌تر در قرن هشتم، از جای نام «کیچ و مکران» استفاده کرده‌اند. دوم اینکه استفاده از تعابیری همچون ایالت و ثغور و بلاد برای جای نام «کیچ و مکران» نشان می‌دهد این جای نام به گستره ایالتی مکران اطلاق شده و از آن به مثابه نام دیگر ایالت مکران یاد می‌شده‌است.

کاربرد جای‌نام «کیچ و مکران» نه‌تنها در منابع دست اول قرن نهم نسبت به قرون قبلی بیشتر متداول شد، بلکه دامنه استفاده از این جای‌نام در متون جغرافیایی و حتی روایات متعدد تاریخی در قالب‌های مختلف بیشتر مورد استفاده قرار گرفت. حافظ ابرو در کتاب جغرافیای خود که از منابع قرن نهم است، از «کیچ و مکران» نام برده‌است. وی در توصیف محدوده غربی اقیانوس هند نوشت: «بحر هند حد او تا ولایت کیچ و مکران است» (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۰۴). در جای دیگر، در توصیف موقعیت جغرافیایی جبال قفص در کرمان نیز این‌گونه نوشت: «در حدود کرمان کوهی است که آن را جبال القفص خوانند و شهر هرمز بر غربی آن باشد و کیچ و مکران بر شرقی آن» (همان: ۱۹۶). در واقع، در جغرافیای ذهنی حافظ ابرو، جای‌نام «کیچ و مکران» نام دیگر ایالت مکران است. علاوه بر متن جغرافیایی حافظ ابرو، جای‌نام «کیچ و مکران» در متون تاریخی هم‌زمان با قرن نهم نیز مورد استفاده مکرر قرار گرفت (شامی، ۱۳۶۳: ۹۳؛ طهرانی، ۱۳۵۶: ۳۴۷). استفاده مکرر و مداوم از این جای‌نام در منابع دست اول قرن نهم به گونه‌ای پیش رفت که حتی مورخان، این جای‌نام را در کنار نام دیگر مناطقی که واحد ایالتی داشته، ذکر کرده‌اند. شرف‌الدین علی یزدی (۱۳۸۷: ۱۱۵۴) درباب فتح‌نامه‌هایی که تیمور گورکانی بعد از پیروزی بر عثمانی برای مناطق گوناگون فرستاد، از «کیچ و مکران» در کنار سایر سرزمین‌ها و ممالک نام می‌برد: «و همچنین به ... آذربایجان و عراق عرب و عجم و کرمان و کیچ و مکران و سیستان و سایر بلاد بر و بحر، فتح‌نامه‌ها فرستادند». سمرقندی (۱۳۷۲: ۹۲۹) نیز چنین روایت مشابهی را درباب تلاش تیمور برای ارسال فتح‌نامه بعد از پیروزی بر عثمانی در اثر خویش آورده‌است که همانند گزارش یزدی، از «کیچ و مکران» در کنار سایر ممالک نام برده‌است: «و به ممالک ایران و توران بل تمام جهان چون ماوراءالنهر و ترکستان و ختای و ختن و ... و بدخشان و کیچ و مکران و زابل و کابل و هندوستان و سیستان و...». بازتاب جای‌نام «کیچ و مکران» در چنین روایاتی نشان می‌دهد که این جای‌نام به واحد جغرافیایی ایالت مکران اطلاق می‌شده‌است.

### ۳. جای‌نام «کیچ و مکران» در منابع دوره صفوی

مکران در دوره صفوی یکی از ایالات جنوب شرقی ایران بود که پیوند آن با دریا در جنوب و همچنین همسایگی با قلمرو گورکانیان هند بر اهمیت آن می‌افزود. از وضع مکران در دوره اولین شاه صفوی، یعنی شاه اسماعیل اول، اطلاعات چندانی در دست نیست. باین‌حال به نظر می‌رسد سلطه دولت مرکزی ایران در دوره شاه تهماسب اول در مکران تثبیت شد؛ زیرا نیروهای دولت صفوی به مکران اعزام شدند (روملو، ۱۳۸۴: ۱۱۸۱). از طرفی، افوشته‌ای نطنزی (۱۳۷۳: ۱۸) هنگامی که قلمرو شاه تهماسب اول صفوی را بعد از جنگ جام برمی‌شمارد، از مکران در کنار نام دیگر ایالات و ولایات نام می‌برد. از حوادث دوره شاه عباس اول گزارش شده‌است که در سال

۱۰۳۱ قمری حاکم مکران، یعنی ملک میرزا، برای اعلام فرمانبرداری به دربار اصفهان رفته است (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۰۱). حسینی خاتون آبادی (۱۳۵۲: ۵۱۲)، مؤلف وقایع السنین و الاعوام نیز در ذیل حوادث سال ۱۰۴۳ قمری در زمان شاه صفی، از آمدن حاکم مکران به دربار اصفهان برای اعلام فرمانبرداری اشاره می‌کند. همچنین کروسینسکی (۱۳۶۳: ۲۳) که در اواخر دوره صفوی به ایران آمد، در شرح ممالکی که از دوره شاه اسماعیل اول تا دوره شاه سلطان حسین جزو قلمرو صفویان بودند، از مکران نیز یاد کرده است. علاوه بر متون تاریخی دوره صفوی، در مجموعه‌ای از نقشه‌های تاریخی برجای مانده از دوره صفوی، مکران یکی از ایالات صفوی در قلمرو جنوب شرقی ایران است؛ برای نمونه، در نقشه‌ای از قاره آسیا که جان سنکس<sup>۱</sup>، نقشه‌نگار انگلیسی، در نیمه اول قرن هجدهم ترسیم کرد، ایالت مکران در جنوب شرق قلمرو ایران و در درون سرحدات آن، ثبت و ضبط شده است (برای مشاهده نمونه‌های بیشتر نک: علائی، ۲۰۱۰: ۸۷ و ۸۸ و ۱۰۴).



نقشه شماره ۳. موقعیت جغرافیایی مکران در امتداد جنوب شرقی ایران (تأکید از نویسندگان است) (www.davidrumsey.com)

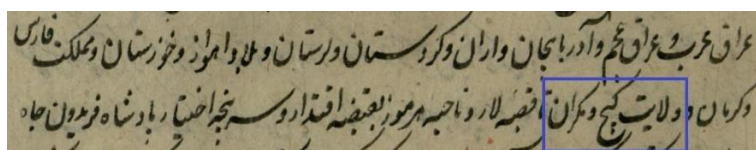
در متون تاریخی دوره صفوی و همچنین نقشه‌های تاریخی که از این دوره بر جای مانده، ضمن استفاده از عنوان مستقل مکران برای اطلاق به نام این ایالت (حسینی خاتون آبادی، ۱۳۵۲: ۵۱۲؛ نقشه شماره ۳)، از عنوان مستقل کیچ نیز به عنوان یکی از نواحی مکران نام برده شده است (شاملو، ۱۴۰۰: ۷۵۱؛ مشیزی، ۱۳۶۹: ۳۸۵؛ سیستانی، ۱۳۴۴: ۵۰۵). با این حال عنوان و جای نام «کیچ و مکران» نیز در منابع تاریخی و جغرافیایی این دوره مکرراً یاد شده است، به طوری که می‌توان ادعا

1. John Senex

کرد اوج استفاده و کاربرد جای‌نام «کیچ و مکران» در منابع تاریخی و جغرافیایی دوره صفوی بوده و همین استفاده مکرر، منجر به نوعی تداوم و از طرفی نوعی تحول در معنای جغرافیایی آن در منابع تاریخی و جغرافیایی دوره صفوی شد که ارزیابی جای‌نام «کیچ و مکران» از این دو منظر را می‌توان این‌گونه تشریح و تبیین کرد:

### ۳. ۱. تداوم جای‌نام: «کیچ و مکران» به مثابه نام ایالت

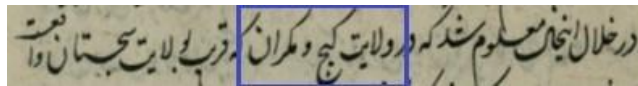
همان‌گونه که در پیشینه بازتاب جای‌نام «کیچ و مکران» در متون تاریخی و جغرافیایی اشاره شد، حضور این جای‌نام به منابع دوره پیشاصفوی بازمی‌گردد که عموماً آن را نام دیگر ایالت مکران می‌دانستند. به اقتباس از منابع تاریخی و جغرافیایی پیشاصفوی، در دوره صفوی این جای‌نام نسبت به منابع تاریخی و جغرافیایی قرن نهم، کاربرد متداول‌تری یافت. به نظر می‌رسد که شناخت ناکافی از مکران به دلیل بُعد مسافت طولانی از مراکز اصلی قدرت و همچنین بازتاب مختصر تحولات آن در متون تاریخی و جغرافیایی، این زمینه را فراهم ساخت که تاریخ‌نویسان و جغرافی‌نویسان عصر صفوی، برای کسب اطلاعات از مکران، به منابع قرن هفتم تا نهم مراجعه کنند و چون در بسیاری از این منابع پیشاصفوی، جای‌نام «کیچ و مکران» بازتاب یافته بود، در تداوم آن منابع، مجدداً از جای‌نام «کیچ و مکران» استفاده می‌کردند. بر همین اساس در بسیاری از روایات و گزارش‌های منابع تاریخی و جغرافیایی دوره صفوی، جای‌نام «کیچ و مکران» با همان مفهوم ایالتی آن، در متون تاریخی و جغرافیایی دوره صفوی بازتاب پیدا کرد. افروخته‌ای نظنزی در گزارش از قلمرو شاه تهماسب اول صفوی، در کنار ذکر ایالتی همچون کردستان، خوزستان، فارس، کرمان، از ولایت «کیچ و مکران» نیز نام می‌برد.



تصویر شماره ۲. جای‌نام «کیچ و مکران» در نسخه خطی نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۸۴ B، برگ ۵)

در این گزارش، مورخ صفوی از جای‌نام «کیچ و مکران» در کنار دیگر ممالک مختلف نام برده‌است که با توجه به کاربرد جای‌نام «کیچ و مکران» در این روایت، مشخص می‌شود آن را یک واحد ایالتی همانند دیگر مناطق ذکر شده مثل فارس و کرمان، در نظر می‌گرفته‌اند. قاضی احمد قمی، مؤلف خلاصه التواریخ (نسخه خطی شماره ۶۵۷۰، برگ ۷۰ رو)، از ولایت «کیچ و

مکران» در مجاورت ولایت سیستان یاد کرده‌است؛ به عبارت دیگر، «کیچ و مکران» در این روایت همانند سیستان، یک واحد ایالتی و ولایتی در نظر گرفته شده‌است.



تصویر شماره ۳. جای نام «کیچ و مکران» در نسخه خطی خلاصه التواریخ

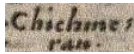
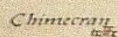
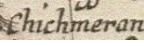
علاوه بر متون تاریخی دوره صفوی، متون جغرافیایی هم از منابع دیگری هستند که جای نام «کیچ و مکران» در آن بازتاب داشته‌است؛ البته در دوره صفوی در حوزه تولید متون جغرافیایی، دستاورد چندانی وجود نداشت، اما این بدین معنا نیست که در عهد صفویه، هیچ متن جغرافیایی تألیف نشد (صفت‌گل، ۱۳۸۸: ۷۵). نمونه برجسته این دسته از متون، اثر مختصر مفید از محمد مفید مستوفی یزدی است. محمد مفید نوشتن این اثر را در سال ۱۰۸۷ قمری آغاز کرد و تألیف آن را در سال ۱۰۹۱ قمری در لاهور به پایان برد. در فهرست‌بندی این کتاب که بر مبنای نام مناطق جغرافیایی مختلف تنظیم شده، مستوفی یزدی (۱۳۹۶: ۳۵۷) از نام «کیچ و مکران» برای توصیف جغرافیای این منطقه استفاده کرده‌است و در ذیل این عنوان، درباره حدود جغرافیایی منطقه چنین نوشته‌است: «حدودش به سیستان و بکران و تنه و هرموز اتصال دارد». حدود جغرافیایی توصیف شده در این روایت نشان می‌دهد که در جغرافیای ذهنی مستوفی یزدی، منظور از «کیچ و مکران» همان ایالت مکران بوده که حدود آن تا سیستان و تنه و هرمز امتداد داشته‌است. در مجموع، تعدادی از متون تاریخی و جغرافیایی دوره صفوی در تداوم و استمرار منابع تاریخی و جغرافیایی پیشاصفوی یعنی قرن هفتم تا نهم، «کیچ و مکران» را نام دیگر ایالت مکران دانسته‌اند.

### ۲.۳. تحول جای نام: «کیچ و مکران» به مثابه نام شهر

ایران عصر صفوی، یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی ایران به شمار می‌رود که برای شناسایی ابعاد مختلف آن، تنوع وسیعی از منابع تاریخی و جغرافیایی وجود دارد. این منابع تاریخی و جغرافیایی در دسته‌بندی‌های مختلفی قرار می‌گیرند که از جمله آن می‌توان به متون جغرافیایی مثل مختصر مفید، متون اداری و دیوانی مثل دستور الملوک و تذکره الملوک، متون تاریخی متعدد و گسترده، سفرنامه‌ها و همچنین مجموعه‌ای از نقشه‌های تاریخی اشاره کرد که طی قرون دهم تا دوازدهم قمری (شانزدهم تا هجدهم میلادی) به دست نقشه‌نگاران اروپایی از ایران صفوی ترسیم شده‌است. واکاوی جای نام «کیچ و مکران» از منظر برخی از این مجموعه‌های کمترشناخته‌شده، به‌ویژه منابع خارجی همچون نقشه‌های تاریخی اروپاییان و سفرنامه‌ها، زوایای

جدیدی از این جای‌نام را مطرح می‌سازد که بر مبنای آن نوعی تحول در معنای جغرافیایی آن ایجاد شده‌است و منظور از تحول، اطلاق جای‌نام «کیچ و مکران» این بار به یک ناحیه بوده و نه یک ایالت. یک دسته از این منابع، نقشه‌های تاریخی اروپاییان هستند.

با آغاز دوره صفوی، در پی تلاش اروپاییان برای اتحاد با ایران به منظور مهار توسعه‌طلبی عثمانی و همچنین تلاش ایران و اروپا برای دستیابی به منافع اقتصادی، فصل تازه‌ای در مناسبات ایران و اروپا آغاز شد. اروپاییان در برقراری چنین پیوندی، شناخت از ایران صفوی را در دستور کار قرار دادند که یکی از ابزارهای این شناخت، ترسیم نقشه‌های متعدد از ایران آن دوره بود. امروزه حجم گسترده‌ای از نقشه‌های تاریخی اروپاییان از ایران دوره صفوی در دست است که با ارائه اطلاعات مفصل به همراه جزئیات درباره حدود سیاسی قلمرو صفویان و ایالات آن، جغرافیای طبیعی، راه‌ها و مسیرهای ارتباطی، پراکندگی گروه‌های قومی و جمعیتی و غیره، می‌تواند بخشی از زوایای پنهان و تاریک تاریخ و جغرافیای ایران در دوره صفوی را روشن سازد (برای نمونه نقشه‌ها، نک: علائی، ۲۰۱۰؛ گنجی و همکاران، ۱۳۸۶؛ وثوقی و صفت‌گل، ۱۳۹۶؛ ملازئی، ۱۳۹۹).

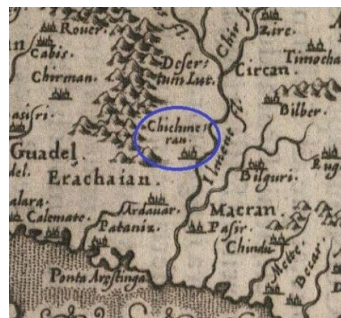
در کنار موارد ذکرشده، یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های ایران صفوی در نقشه‌های تاریخی اروپاییان، توصیف و ترسیم شرح ایالات به همراه آبادی‌ها و شهرهای آن است. عموماً تمام نقشه‌نگاران اروپایی در توصیف ایالت مکران در جنوب شرق قلمرو صفویان، به توصیف آبادی‌ها و شهرهای آن توجه کرده‌اند. در برخی از نقشه‌های اروپایی، در گستره ایالتی مکران و محدوده آن، ناحیه‌ای ثبت و ضبط شده که از منظر نام‌شناسی، به نظر می‌رسد معادل «کیچ مکران» است. در نقشه‌ای از قلمرو ایران صفوی که آنتونیو ماگینی<sup>۱</sup>، نقشه‌نگار ایتالیایی، در اواخر قرن دهم قمری (شانزدهم میلادی) ترسیم کرده، در محدوده ایالتی مکران در کنار دیگر نواحی و مناطق، از یک جای‌نام با عنوان  نام برده شده (نقشه شماره ۴) که به نظر می‌رسد منظور از آن «کیچ و مکران» باشد. ضبط این جای‌نام در تعدادی از نقشه‌های قرن یازدهم قمری نیز متداول بود. در نقشه‌ای از نیمه اول این قرن که از قلمرو ایران صفوی به دست یودوکوس هوندیوس<sup>۲</sup> و یوهانس جانسونیوس<sup>۳</sup>، نقشه‌نگاران هلندی، ترسیم شده، از جای‌نام «کیچ مکران» به صورت  به عنوان یکی از نواحی ایالت مکران یاد شده‌است (نقشه شماره ۵). در نقشه دیگری از قرن یازدهم قمری، نیکولاس سانسون<sup>۴</sup>، نقشه‌نگار فرانسوی، در همان موقعیت جغرافیایی نقشه‌های قبلی، از جای‌نام «کیچ مکران» به صورت  نام برده‌است

1. Antonio Magini.
2. Jodocus Hondius.
3. Johannes Janssonius.
4. Nicolas Sanson.

نقشه شماره ۶). در مجموع، این داده‌های موجود در نقشه‌های تاریخی نشان می‌دهند که در ایالت مکران، ناحیه‌ای به نام «کیچ و مکران» وجود داشته‌است؛ به عبارت دیگر، در منابع تاریخی و جغرافیای دوره صفوی، جای نام «کیچ و مکران» نامی بود که ضمن اطلاق به گستره ایالتی مکران، به نام یک ناحیه نیز نامگذاری می‌شد.



نقشه شماره ۵. «کیچ و مکران» به مثابه نام شهر (تأکید از نویسندگان است) (علانی، ۲۰۱۰: ۷۵)



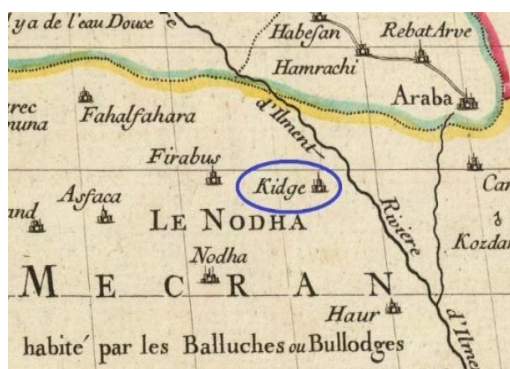
نقشه شماره ۴. «کیچ و مکران» به مثابه نام شهر (تأکید از نویسندگان است) (کتبجی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۵۶)



نقشه شماره ۶. «کیچ و مکران» به مثابه نام شهر تأکید از نویسندگان است (همان: ۱۰۱)

به نظر می‌رسد منظور از ناحیه «کیچ و مکران» در نقشه‌های تاریخی اروپاییان، همان شهر کیچ است؛ زیرا به تدریج از نقشه‌های تاریخی نیمه قرن یازدهم قمری (هفدهم میلادی) به بعد، در نتیجه دگرگونی و به‌روزرسانی نقشه‌های تاریخی اروپاییان، جای نام «کیچ و مکران» جای خود را به نام مستقل کیچ داد؛ به عبارت دیگر، از نقشه‌های قرن دهم تا نیمه‌های قرن یازدهم، نقشه‌نگاران از جای نام «کیچ و مکران» برای نامگذاری شهر کیچ و از نقشه‌های نیمه قرن

یازدهم به بعد، به تدریج جای نام «کیچ و مکران» در نقشه‌های تاریخی، جای خود را به کیچ داد؛ برای نمونه، در نقشه‌ای از ایران که در نیمه اول قرن دوازدهم قمری به دست گیوم دولیل<sup>۱</sup>، نقشه‌نگار فرانسوی، ترسیم شد، در محدوده ایالتی مکران در همان موقعیت جغرافیایی نقشه‌های قبلی که «کیچ و مکران» ضبط شده بود، از جای نام کیچ *Kidge* به طور مستقل یاد شده است (نقشه شماره ۷). در مجموع، استناد به نقشه‌های تاریخی، ابعاد و زوایای جدیدی از جای نام «کیچ و مکران» را روشن می‌سازد که بر مبنای آن، در ایالت مکران یک ناحیه با نام «کیچ و مکران» نیز وجود داشته است که به نظر می‌رسد همان کیچ باشد.



نقشه شماره ۷. موقعیت کیچ در نقشه ایران از گیوم دولیل (تأکید از نویسندگان است) (www.davidrumsey.com)

علاوه بر نقشه‌های تاریخی، یکی دیگر از منابع دوره صفوی که وجود یک شهر به نام «کیچ و مکران» در ایالت مکران را تأیید می‌کند، سفرنامه مرآت الممالک مربوط به قرن دهم است. این سفرنامه که در نیمه دوم این قرن نوشته شده، ماجرای سفر یکی از دریاسالاران عثمانی به نام سیدی علی کاتبی را روایت می‌کند که هم‌زمان با فرمانروایی شاه تهماسب اول صفوی در ایران، از طرف دولت عثمانی مأموریت یافت فرماندهی نیروی دریایی این کشور را در دریای سرخ و خلیج فارس بر عهده گیرد. کاتبی در این سفرنامه، سرنخی از جای نام «کیچ و مکران» به دست داده که می‌تواند گزارش نقشه‌های تاریخی مبنی بر وجود یک ناحیه به نام «کیچ و مکران» در ایالت مکران را تأیید کند. کاتبی (۱۳۵۵: ۵۰) هنگام گزارش عبورش از مناطق ساحلی خلیج فارس به سمت مکران، از وجود یک ناحیه به نام «کیچی مکران» یا همان «کیچ مکران» در ایالت مکران گزارش داده و در این باب نوشته است: «دو سه روزی بدین منوال دریا را پیمودیم. بالأخره به کیچی مکران از ولایت مکران رسیدیم». براساس این روایت که یک

1. Guillaume Delisle.



مطالعه میدانی و مبتنی بر مشاهده مستقیم نویسنده بوده، مکران نام این ولایت بوده‌است و «کیچی مکران» یا همان «کیچ و مکران» در ذیل آن قرار گرفته و یکی از نواحی این ولایت معرفی شده‌است. نکته جالب توجه اینکه امروزه در پاکستان، برخی از مردمان بومی از تعبیر «کیچ و مکران» برای اطلاق به شهر کیچ استفاده می‌کنند (مصاحبه نویسندگان با غلام حیدر دلاوری، سرباز، ۱۴۰۰/۷/۲۷) که این نکته می‌تواند حاکی از استمرار جای نام «کیچ و مکران» به مثابه نام دیگر شهر کیچ در حافظه تاریخی مردمان بومی آن ناحیه باشد.

#### ۴. نتیجه

«کیچ و مکران» یکی از جای نام‌های مرتبط با ایالت مکران بود که در بسیاری از منابع تاریخی و جغرافیایی قرن هفتم تا دوازدهم قمری، به‌ویژه در منابع دوره صفوی، هنگام اشاره به تحولات ناحیه مکران، بدان اشاره می‌شد. این نام از ترکیب نام دو واحد جغرافیایی کیچ به عنوان یکی از شهرهای مکران و مکران به عنوان نام این ایالت به وجود آمده‌است. واکاوی ابعاد تاریخی و جغرافیایی این جای نام حاکی از آن است که اهمیت سیاسی و ارتباطی شهر کیچ در ایالت مکران طی سده‌های نخستین تا میانه اسلامی، باعث شد تا برای اولین بار در منابع تاریخی و جغرافیایی قرن هفتم و هشتم، بین نام آن با نام مکران پیوند ایجاد شود و از جای نام «کیچ و مکران» به مثابه نام دیگر ایالت مکران استفاده شود. استفاده از این جای نام در منابع تاریخی و جغرافیایی قرون بعد نه تنها از بین نرفت، بلکه کاربرد بیشتر و متداول‌تری در گونه‌های مختلف روایات تاریخی و جغرافیایی طی سده‌های نهم تا دوازدهم (تا پایان دوره صفوی) پیدا کرد. کاربرد جای نام «کیچ و مکران» در مجموعه‌ای از منابع تاریخی و جغرافیایی دوره صفوی به گونه‌ای پیش رفت که ضمن استمرار و تداوم معنای ایالتی آن به عنوان نام دیگر ایالت مکران، یک تحول در معنای جغرافیایی آن نیز شکل گرفت که براساس گزارش میدانی سیدی علی کاتبی در قرن دهم، تعدادی از نقشه‌های تاریخی قرون دهم تا دوازدهم (شانزدهم تا هجدهم میلادی) و همچنین استناد به حافظه تاریخی بومیان امروزی، «کیچ و مکران» نام یک ناحیه در ایالت مکران بوده‌است که به نظر می‌رسد منظور از آن همان شهر کیچ باشد.

بر مبنای این یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران، این تداوم و تحول در معنای جغرافیایی جای نام «کیچ و مکران» را در فعالیت‌های تحقیقاتی خود، به‌ویژه فرایند تصحیح نسخه‌های خطی، مورد توجه قرار دهند، به طوری که در تعداد زیادی از آثار دست اول تاریخی که در آن جای نام «کیچ و مکران» به معنای نام دیگر ایالت مکران بازتاب یافته‌است، مصححان در فهرست اعلام جغرافیایی پایان کتاب، نام ناحیه کیچ و همچنین نام ناحیه مکران را مجزا و مستقل آورده‌اند که این جداسازی، برای خواننده این امر را متبادر می‌کند که این دو، نام دو ناحیه

جدا در متن ذکر شده است، اما همان گونه که در بحث تداوم جای نام «کیچ و مکران» اشاره شد، این نام، یک واحد جغرافیایی مستقل و همچنین نام دیگر ایالت مکران بوده است.

## منابع

- ابن بطوطه، ۱۳۹۷، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، جلد ۱، تهران، کارنامه ابوالفداء، *تقویم البلدان*، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه خطی شماره ۱۷۵۰.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، ۱۳۴۰، *مسالك و ممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت‌الله، ۱۳۷۳، *نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار*، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، علمی و فرهنگی.
- \_\_\_\_\_، *نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار*، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه خطی شماره ۸۴ B.
- بیضاوی، قاضی ناصرالدین، ۱۳۸۲، *نظام التواریخ*، به تصحیح هاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- تهامی، مرتضی و مراد کاویانی‌راد، ۱۳۹۴، «جای‌نام‌شناسی سرحدات ایران از منظر شاهنامه‌ی فردوسی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۸۹-۱۱۴.
- جوزجانی، منهج سراج، ۱۳۶۳، *طبقات ناصری*، به تصحیح عبدالحی حبیبی، جلد ۲، تهران، دنیای کتاب.
- جوینی، عظاملک، ۱۳۸۵، *تاریخ جهانگشا*، به تصحیح محمد قزوینی، جلد ۲، تهران، دنیای کتاب.
- جهانپدیده، عبدالغفور، ۱۳۹۶، *فرهنگ بلوچی - فارسی*، جلد ۲، تهران، معین.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله، ۱۳۷۵، *جغرافیای حافظ ابرو*، به تصحیح صادق سجادی، جلد ۱، تهران، میراث مکتوب.
- حدود العالم من المشرق و المغرب*، ۱۳۶۲، مؤلف ناشناس، به تصحیح منوچهر ستوده، تهران، طهوری.
- حسینی خاتون‌آبادی، عبدالحسین، ۱۳۵۲، *وقایع السنین و الاعوام*، به تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- حسینی قمی، قاضی احمد، *خلاصه التواریخ*، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه خطی شماره ۶۵۷۰.
- خیراندیش، عبدالرسول، ۱۳۸۲، «نام‌های جغرافیایی به مثابه بخشی از میراث فرهنگی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، سال ۷، شماره ۷۴، صص ۳-۴.
- روملو، حسن، ۱۳۸۴، *احسن التواریخ*، به تصحیح عبدالحسین نوایی، جلد ۲، تهران، اساطیر.
- سایکس، سرپرسی، ۱۳۱۵، «بلوچستان»، *مجله ارمغان*، ترجمه سعادت نوری، شماره ۳، صص ۲۲۰-۲۲۴.
- سمرقندی، عبدالرزاق، ۱۳۷۲، *مطلع سعیدین و مجمع بحرین*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، جلد ۱، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیستانی، ملک‌شاه‌حسین، ۱۳۴۴، *احیاء الملوک*، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- شاپور شهبازی، علیرضا، ۱۳۸۹، *تاریخ ساسانیان: ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

- شارپ، رلف نارمن، ۱۳۴۶، *فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی*، شیراز، دانشگاه پهلوی.
- شاملو، ولی‌قلی خان، ۱۴۰۰، *قصص الخاقانی*، به تصحیح سیدسعید میرمحمدصادق، تهران، سروش با همکاری نگارستان اندیشه.
- شامی، نظام‌الدین، ۱۳۶۳، *ظفرنامه شامی*، مقدمه و تصحیح محمد احمدپناهی، جلد ۲، تهران، بامداد.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی، ۱۳۸۱، *مجمع الانساب*، به تصحیح هاشم محدث، جلد ۲، تهران، امیرکبیر.
- صفت‌گل، منصور، ۱۳۸۸، «تاریخ‌نویسی در ایران عصر صفوی (سال‌های ۱۱۴۸-۱۰۳۸ق)؛ مراحل و گونه‌شناسی»، *پژوهش‌های علوم تاریخی*، سال ۱، شماره ۱، صص ۶۵-۸۴.
- صفرزایی، عبدالله، ۱۳۹۷، «نقش کیچ در ارتباطات دریایی سواحل مکران در سده‌های نخستین اسلامی»، *مجموعه مقالات چهارمین همایش بین‌المللی خلیج فارس: تاریخ، فرهنگ و تمدن*، زیر نظر فرج‌الله احمدی و دیگران، تهران، نگارستان اندیشه، صص ۳۱۱-۳۲۴.
- صفرزایی، عبدالله و یاسر ملازنی، ۱۴۰۰، «جغرافیای تاریخی مکران در دوره صفوی براساس نقشه‌های تاریخی اروپاییان»، *پژوهش‌های علوم تاریخی*، سال ۱۳، شماره ۴، صص ۹۵-۱۱۸.
- طهرانی، ابوبکر، ۱۳۵۶، *تاریخ دیار بکریه*، به تصحیح لوغال نجاتی و فاروق سومر، تهران، طهوری.
- علوی، نصرت‌خاتون و احسان اشراقی، ۱۳۹۸، «جغرافیای تاریخی مکران در سده‌های میانه اسلامی»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال ۱۱، شماره ۴۱، صص ۱۰۹-۱۳۲.
- فروزانی، ابوالقاسم و عبدالله صفرزایی، ۱۳۹۴، «مکران»، *دانشنامه خلیج فارس*، زیر نظر شورای علمی *دانشنامه خلیج فارس*، جلد ۲، تهران، بنیاد دانشنامه‌نگاری.
- قزوینی، زکریا بن محمد، ۱۹۹۸، *آثار البلاد و اخبار العباد*، بیروت، دارصادر.
- کاتبی، سیدی علی، ۱۳۵۰، *مرآت الممالک؛ سفرنامه خلیج فارس*، هند، *ماوراءالنهر و ایران*، ترجمه محمود تفضلی و علی گنجه‌لی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- کروسینسکی، ۱۳۶۳، *سفرنامه کروسینسکی*، به تصحیح عبدالرزاق دنبلی مفتون، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، توس.
- کنت، رولاند گراپ، ۱۳۹۱، *فارسی باستان: دستور زبان، متون و واژه‌ها*، ترجمه سعید عریان، تهران، علمی.
- گنجی، محمدحسن و همکاران، ۱۳۸۶، *خلیج فارس در نقشه‌های تاریخی*، تهران، بنیاد ایران‌شناسی.
- مستوفی یزدی، محمد مفید، ۱۳۹۶، *مختصر مفید*، به کوشش ایرج افشار و محمدرضا ابوتی مهریزی، چاپ ۲، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- مشیزی، میرمحمدسعید، ۱۳۶۹، *تذکره صفویه کرمان*، به تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، علم.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، ۱۳۶۱، *احسن التقاسیم*، ترجمه علی‌نقی منزوی، جلد ۲، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان.
- ملازنی، یاسر، ۱۳۹۹، «تحولات مرزهای شرقی ایران عصر صفوی با تکیه بر نقشه‌های تاریخی اروپایی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ*، تهران، دانشگاه تهران.
- منشی کرمانی، ناصرالدین، ۱۳۶۲، *سمط‌العلی للحضرة العلیا*، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، اساطیر.

و ثوقی، محمدباقر و منصور صفت‌گل، ۱۳۹۶، *اطلس تاریخ بنادر و دریانوردی ایران*، جلد ۱، تهران، سازمان بنادر و دریانوردی.

وحید قزوینی، محمدطاهر، ۱۳۸۳، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، به تصحیح سیدسعید میرمحمدصادق، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

هرودوت، ۱۳۸۴، *تاریخ هرودوت*، ترجمه هادی هدایتی، جلد ۳، تهران، دانشگاه تهران.

یاقوت حموی، ۱۹۹۵، *معجم البلدان*، المجلد الرابع والخامس، بیروت، دارصادر.

یزدی، شرف‌الدین علی، ۱۳۸۷، *ظفرنامه یزدی*، به تصحیح و تحقیق سیدسعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوایی، جلد ۲، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

Alai, Cyrus, 2010, *General Maps of Persia*, second revised edition, Library of congress cataloging-in-publication data, Brill Leiden Boston.

Arrian, 1971, *The Campaigns of Alexander*, translate by Aubery De Selincourt, contributor J.R. Hamilton, Classics.

Holdich, T. H., 1896, "Notes on Anciet and Mediaevel Makran", *Geographical Journal*, Vol. 7, No. 4. PP. 387-405.

Polo, Marco, 1907, *The Travels of Marcopolo the Venetian*, Edited by Ernest Rhys, Introduction by John Masefield, London: Publisher J. M. Dent and Sons, New York Publisher by E. P. Dutton and Co.

[www.Davidrumsey.com](http://www.Davidrumsey.com)

#### مصاحبه‌ها

مصاحبه نویسنده‌گان با غلامحیدر دلاوری، از بومیان پاکستان و ساکن فعلی بلوچستان ایران، سرباز، ۱۴۰۰/۷/۲۷.

مصاحبه نویسنده‌گان با عبدالوهاب ایران‌دوست، از آگاهان تاریخ مکران، سرباز، ۱۴۰۰/۷/۱۳.